نسخۀ نامه‌ایست که باطراف مرقوم شده

هواللّه

سبحانک اللّهمّ یا الهی لک الحمد و لک الشّکر علی ما انعمت و آتیت و والیت و اعطیت فاخترت عباداً مخلصین لک الدّین بین العالمین و اختصصتهم بالاقتباس من نورک المبین و الانجذاب الی جمالک المنیر و السّلوک علی صراطک المستقیم ربّ انّ النّفوس غافلة من ذکرک و القلوب محرومة عن حبّک و الأبصار محجوبة من ملکوت الجمال و العقول ذاهلة عن مرکز الجلال الّا هؤلآء الّذین ثبتوا علی المیثاق و ترکوا النّفاق و اقتبسوا نور الاشراق و صمّوا عن النّعاق و قاموا علی خدمة امرک فی الآفاق و ترنّحوا من کأس دهاق و لهم الحظّ الأوفر و خیر خلاق من فیضک المنهمر و صیّب سحابک المدرار و ینبوع الفضل و الجود النّابع بأشدّ انبثاق ربّ اجعلهم آیات الهدی و رایات العلی و کلمات التّقوی و جیوش الملأ الأعلی و ملائکة السّمآء حتّی یتنوّر بهم شرق الأرض و غربها و ینتشر بهم ذکرک فی جنوبها و شمالها و یتربّی کلّ الوری فی هذه النّشأة الدّنیا بالأسمآء الحسنی و المثل الأعلی ربّ ارفع بهم لوآء الوحدة بین البشر و رایة المحبّة بین الوری حتّی ترجع الکثرات الی مرکز الوحدة و الآیات و تنشقّ حجبات البغضآء و تضمحلّ معالم الشّحنآء و تزول الضّغینة و العدوان فی عالم الانسان و یرجعوا الی الوفاق بعد النّفاق و یبدّلوا البغضآء بالولآء و ینتهوا فی الخیبة و الشّقی و یرجوا الفوز و الفلاح و یستغیثوا بک فی الجهر و الخفآء و یتبادروا الی الباقیات الصّالحات فی عالم الفلاح ربّ اشدد ظهورهم علی خدمتک و قوّ ازورهم علی عبادتک و اشرح صدورهم بنور معرفتک و نوّر ابصارهم بمشاهدة طلعتک و ارح ارواحهم بمعانی موهبتک و طیّب نفوسهم بمظاهر رأفتک انّک انت الکریم الرّحیم العزیز المعطی الوهّاب لا اله الّا انت الغفور العفوّ الحفیّ الخفیّ الألطاف

ای یاران الهی سرور و شادمانی اهل وفا بخدمت عتبهٴ علیاست و توجّه بملکوت ابهی آرزوی عاشقان جانفشانی و تمنّای مشتاقان نثار جان و قربانی زیرا عشق خونریز است و شررانگیز و آئینهٴ محبّت اللّه شهادت کبری لهذا نفوس مقدّسه و مظاهر الهیّه آرزوی فنا و وصول بمشهد فدا داشتند جانفشانی نمودند و نفی و آوارگی دیدند صدمات شدیده کشیدند اسیر سلاسل و زنجیر بودند هدف تیر شدند معرض شمشیر گردیدند ملال نیاوردند کلال نجستند جام فدا از دست ساقی عنایت نوشیدند و شهد فنا با نهایت مسرّت کبری چشیدند آنی راحت نیافتند دمی نیاسودند معرض شماتت اعدا گشتند مورد ملامت اهل بغضا شدند خانمان خویش بباد دادند بیسر و سامان شدند دقیقه‌ئی امان نیافتند و ساعتی کام دل و راحت جان نجستند این است برهان عاشق صادق و این است دلیل حبیب موافق اگر چنین نبود هر بیگانه آشنا بود و هر محروم محرم راز و هر بعید قریب و هر محجوب محبوب لهذا حکمت کبری اقتضا نمود که آتش امتحان شعله زند و سیل افتتان طغیان نماید تا صادق از کاذب ممتاز گردد و موافق از منافق افتراق یابد خودپرست از خداپرست جدا شود ثمرهٴ طیّبه از ثمرهٴ خبیثه ممتاز گردد آیات نور باهر گردد و ظلام دیجور زائل شود بلبل وفا بسراید و غراب جفا سیرت خویش بنماید ارض طیّبه انبات شود و ارض جرزه خائب و خاسر ماند منجذب جمال ابهی ثابت گردد و تابع نفس و هوی ناقض شود این است حکمت بلایا این است سبب رزایا ای یاران الهی در این ایّام نیریز خونریز گشت نفوس مقدّسه از یاران الهی جانبازی نمودند و در سبیل نور مبین بقربانگاه عشق شتافتند از اینجهت چشم گریان است و دل بریان آه و انین باوج علّیّین رسد و حزن شدید و ماتم جدید بنماید عبدالبهآء را نهایت آرزو چنان که جرعه‌ئی از این جام وفا نوشد و از بادهٴ فدا سرمست گردد و خاتمهٴ حیات فاتحة الألطاف شود

ربّ انلنی تلک الکأس الطّافحة بالفیض العظیم و رنّحنی بتلک الصّهبآء الفیض الجلیل و اطعمنی من تلک المائدة الّتی لا یذوقها الّا کلّ عبد منیب و توّجنی بذلک الاکلیل الجلیل و اجعل دمی مسفوحاً علی الثّری و جسمی مصلوباً فی السّمآء و جسدی متلاشیاً علی الغبرآء و عظامی مفتّتةً من سهام القضآء انّک انت الکریم انّک انت العظیم انّک انت الرّحمن الرّحیم

ای یاران عبدالبهآء در این ایّام بحسن القضآء و تأیید ربّ السّموات العلی و توفیق ملکوت لایری هیکل مقدّس حضرت اعلی در جبل کرمل حیفا در مقام معلوم استقرار یافت لهذا قربانی لازم و جانفشانی واجب احبّای نیریز از این جام لبریز سرمست شدند و بچوگان همّت گوی سبقت از این میدان ربودند هنیئاً لهم ثمّ مریئاً هذا القدح الممتلأ المترشّح بصهبآء محبّة اللّه و علیهم بهآء اللّه الأبهی شاید من‌بعد از اهل نقض و نفاق افترائی زنند و کذب و بهتانی بر زبان رانند و گویند که هیکل مکرّم را مقامی دیگر یا جزئی از اجزاء در موقعی دیگر یاران الهی بدانند که صرف بهتان است و کفر و نعاق و نفاق آن جسد مبارک مصلوب در کوه کرمل بتمامه استقرار یافت ولی اشرار آرام نگیرند یقین است بهتان زنند و ادّعا نمایند که ما آن جسد مبارک را دربردیم یا نقل کردیم یا جزئی از اجزاء بدست آمد یا اجنّه از دست ثابتین ربودند جمیع این اقوال کذب و بهتان است و آنچه حقیقت است بیان گردید و علیکم البهآء الأبهی ع ع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ١۴ اوت ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۱۱ قبل از ظهر